

۱۳۷۴ / ۶ / ۲۱

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران  
تمتیه مدارک

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

باسمه تعالی

شماره ثبت ۱۸  
شماره ۴

دانشگاه امام صادق (ع)

دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد

سیره تبلیغی امام صادق (ع)

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما: آیت ۰۰۱ محمد واعظ زاده خراسانی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر صادق آئینه وند

نگارش از: محمد رضا ابوئی مهریزی

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته

رشته معارف اسلامی و تبلیغ

بهمن ماه ۱۳۷۲

۷۵۶۸۹۶

۵۸۹۳

## فهرست عناوین و موضوعات

۲	مقدمه : ضرورت موضوع و طرح این بحث
۸	بخش اول : کلیات
۹	فصل اول : مروری اجمالی بر زندگی امام صادق علیه السلام
۲۰	فصل دوم : عصر امام صادق
۲۱	۱- جو سیاسی حاکم و حرکت های تبلیغی سیاسی بین مروان و بنی عباس
۶۶	۲- شرایط و جو فرهنگی جامعه (رشد مکاتب فکری، مادی، کلامی، الهادی)
۸۳	۳- فرهنگ مبارزاتی عصر (جریان های مخالف عباسیان، علویان، زیدیان، خوارج و ...)
۹۴	بخش دوم : پیامها، روشها و مخاطبین
۹۵	فصل اول : پیام های تبلیغی امام صادق
۹۵	۱- پیامها در اثبات ولایت و امامت و اعتقادات شیعه
۱۰۲	۲- پیامها در رد مخالفان و مبطلان و تبیین چهره سلطهء حاکم
	فصل دوم : روشهای امام در بهره گیری از وسائل تبلیغی عصر خویش
۱۰۶	۱- وسائل تبلیغی امام صادق (موعظه، خطابه، شعر، مکاتبه و ...)
۱۲۷	۲- تشکیل حوزه درسی و تربیت مبلغ
۱۳۷	۳- موضع امام در حرکت نقل و ترجمه علوم و برخورد با تهاجم فرهنگی
۱۴۶	فصل سوم : مخاطبین امام علیه السلام
۱۴۶	۱- شیعیان (خویشان و سادات، علماء عموم شیعیان و ...)
۱۵۵	۲- اهل سنت (فقهاء و متکلمین، عامه اهل سنت و ...)
۱۶۱	۳- خلفاء و حکام
۱۶۵	۴- کفار اهل کتاب، ملاحده و صوفیان
۱۷۱	خلاصه
۱۷۵	نتیجه گیری

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه :

السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و موضع الرساله ...

السلام علی الائمه الدعاه

در طول قرون متمادی حیات فرهنگی بشر هر مکتب الهی یا مادی برای اشاعه فرهنگ و بینش خود از وسیله مهمی بنام تبلیغ سود جسته است . مکاتب گوناگونی که سعی در پیشبرد مقاصد خود داشته‌اند معمولا " شایسته‌ترین افراد، که از تواناییهای علمی، عملی و نفوذ کلام برخوردار باشند را برای گسترش مکتب خود انتخاب نموده و به این وسیله سعی در تسخیر افکار و عقاید مردم در جهت اهداف مکتبشان می‌نمایند و به عبارت دیگر تبلیغ افکار و عقاید شیوه‌ای مرسوم و عقلانی می‌باشد که همواره مورد استفاده تمامی مذاهب و مکاتب مادی یا معنوی بوده است . در این مقام از معنای لغوی تبلیغ و تفاسیر مختلفی که دانشمندان علوم ارتباطات و تبلیغ پیرامون آن اظهار داشته‌اند ذکری به میان نمی‌آوریم و به تعریف اصطلاحی تبلیغ اکتفاء می‌کنیم . تبلیغ در مفهوم کلی آن عبارتست (۱) از : " رساندن پیام به دیگری از طریق برقراری ارتباط به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار او و بر سه عنصر اصلی پیام دهنده پیام گیرنده و محتوای پیام مبتنی است " . برخی از تحلیلگران این رشته " ابزار تبلیغ " و برخی دیگر " هدف " را نیز جزء عناصر تبلیغ دانسته‌اند . حقیقت اینست که تبلیغ نوعی فعالیت است که با شیوه آموزش یا اعتقادی، احساسی و یا حتی انحرافی می‌تواند تحقق پذیرد و به تعبیر دیگر تبلیغ با شکل کلی آن هیچگونه تعهدی نسبت به صحت و سقم محتوا و افراد ندارد و از این دیدگاه نمی‌توان هدف خاصی را با

---

۱- محمدتقی رهبر- کلیات تبلیغ ص ۵

ارزشهای بخصوص برای تبلیغ مشخص نمود، اگر به مفهوم لغوی واصطلاح عام این واژه بنگریم که همان رسانیدن پیامی به مخاطبین با اهدافی خاص باشد. بنابراین نمی‌توان در این مقاله خط مشی و مرزبندی خاصی را قائل شد، آنچه مرز میان تبلیغات و معیار ارزشهای آن است ایدئولوژی، تفکر و بینش تبلیغ کننده است و همچنین روشهایی که متناسب با اهداف خاص خود بکار می‌بندد. در ادیان الهی و مکتبهایی که توسط انبیاء ارائه شده است. تبلیغ از ویژگیهای مشترکی برخوردار است. در ادیان آسمانی اولاً " مبلغان که در درجه اول خود انبیاء بودند از يك مبداء مشترك مامور به ابلاغ رسالت خود بوده و ثانياً " از جهت هدف نیز دچار تشتم نبوده‌اند یعنی همه انبیاء از آغاز تا پایان پیدایش ادیان الهی بدنبال هدایت بشریت از ضلالت و جهل بسوی عبودیت خدای سبحان و برقراری عدالت و اصلاح فسادها و رفع ظلمهای حاکم بر جوامع بشری بوده‌اند و این همان هدف پیدایش جهان خلقت است که خدایتعالی در آیات قرآن کریم به آن تصریح می‌نماید. لذا تبلیغ در مکتب انبیاء بادلسوزی مبلغین برای هدایت انسانها و به دور از هرگونه هوچی‌گری، جنجال و اغواء افکار عمومی صورت می‌گرفته است و مبلغ همواره از جایگاهی مقدس برخوردار بوده‌است برای مثال در انجیل آمده است: " نام مبلغ در آسمان ثبت است " (۱).

در مکتب اسلام نیز جایگاه تبلیغ و مبلغ از منزلتی رفیع برخوردار است. کسانی که دین خدا را تبلیغ کنند و از هیچ مانعی در این راه نهراسند، حامی آنها خداوند تعالی است و در سوره احزاب (۲) در این باره می‌فرماید:

"الذین یبلغون رسالات اللہ ویخشونه ولا یخشون احداً" الا اللہ وکفی باللہ

حسیباً"

۱- لوقا / ۱۰: ۲۱ به نقل از کلیات تبلیغ، نوشته محمدتقی رهبر

۲- احزاب آیه ۳۹

کسانی که رسالات الله را تبلیغ می‌کنند و از خداوند می‌ترسند و از کسی جز او واهمه ندارند خداوند ایشان را کفایت می‌کند و این برای آنها بس است . تبلیغ اسلامی در حقیقت با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد و ماده ، تبلیغ و دعوت در فرهنگ اسلامی نخستین بار در قرآن کریم به کار رفته است . آیات فراوانی که مأموریت پیامبران الهی را تبلیغ رسالات الله دانسته است :

"وما علی الرسول الا البلاغ" (مائده ۹۹) و "انما علی رسولنا البلاغ المبین"

(مائده ۹۲)

و یا پیامبر را امر به تبلیغ و رساندن وحی الهی به مردم نموده است :

"یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک"

و در بعضی آیات ، متن قرآن و وحی را وسیله ای برای ابلاغ دعوت الهی بسوی مردم معرفی می‌نماید تا مردم انذار شوند : "هذا بلاغ للناس ولینذروا به" (ابراهیم ۵۲) و یا اینکه پیامبر به مردم می‌فرماید که من پیام خداوند را به شما ابلاغ کردم : "قد ابلاغتکم رساله ربی (اعراف ۷۶)

بنابراین تبلیغ اسلامی ابلاغ پیام الهی از سوی خداوند به مردم است که در درجه اول توسط پیامبر اسلام و یا جانشینان او که این امر خطیر بر عهده آنان نهاده شده بعنوان یک تکلیف الهی انجام می‌پذیرد و در مرحله دوم وظیفه عموم مومنین است که در این راه مجاهدت کنند و به میزان کافی برای انجام آن وارد عمل شوند و محتوای پیام عبارت از قوانین و دستورات خداوند می‌باشد که با هدف اتمام حجت بر انسان و هدایت او بسوی کمال و سعادت و عبودیت محض تحقق می‌یابد . در همین زمینه قرآن کریم می‌فرماید :

"والرسول یدعوکم لتؤمنوا بربکم (حدید ۸) و پیامبر شما را دعوت می‌کند و

می‌خواند تا به پروردگارتان ایمان بیاورید . و این تبلیغ به شیوه‌های مختلف اما به دور از تحریف و نیرنگ انجام می‌شود :

ادع الی سبیل ربك بالحكمه والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن (نحل

(۱۲۵)

ای پیامبر بسوی راه پروردگارت مردم را بخوان به شیوه‌های حکمت و وعظ و نصیحت و جدال احسن (که نمونه‌ای از مناظرات برهانی بدور از مغالطه و ۰۰۰ می‌تواند باشد) این روش تبلیغ اسلامی است که هدایتگران واقعی جامعه اسلامی در طریق آن تلاش می‌نموده‌اند و در تثبیت و گسترش هرچه بیشتر اسلام اصیل و ممانعت از کجروی و ضلالت فرهنگ و مکتب مسلمین نقشی موثر را ایفاء نموده‌اند نقش مبلغ نیز در ابلاغ پیام همیشه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، مبلغ که اولین عامل تشکیل دهنده یک کار تبلیغی و ارتباط با دیگران است بیشترین تلاش خود را بکار می‌بندد تا بینش و عقیده خاصی را با ابزار مناسب و متعارف زمان خویش به دیگران منتقل کند و در مخاطبین خود تاثیر بگذارد، شعرا، خطبا، نویسندگان و هنرمندان در همه اعصار جایگاهی حساس داشته‌اند و افراد جامعه آنها را ارج می‌نهادند، سرسلسله مبلغین اسلامی بعد از پیامبر اسلام که رهبری امت پیامبر بعده آنان بوده، ائمه اهل‌البیت علیهم‌السلام هستند که با واگذاری مسئولیت امامت و جانشینی رسول خدا، از سوی خداوند متعال به آنان که مستقیماً "توسط پیامبر اکرم صورت گرفت و یا به وصیت و نص امام معصوم این مهم تحقق پذیرفت، مأموریت ابلاغ رسالت الهی را عهده‌دار شدند و با توجه به شرایط زمان و مکان یک وظیفه مشترک را انجام دادند که همان پاسداری از مرزهای مکتب و حفظ و واگذاری آن به امام بعد از خود بود. ائمه اطهار در طول دو قرن حضورشان پس از رحلت پیامبر اسلام همواره اسوه و سرمشق مومنین بوده‌اند و مورخین و علماء، مخصوصاً شیعیان اقدام به جمع آوری و تدوین سیره اهل‌البیت علیهم‌السلام نموده‌اند و در این راستا عده‌ای به سیره نقلی و جمعی دیگر به سیره تحلیلی ایشان پرداخته و تاریخ پرفراز و نشیب زندگی این پیشوایان هدایت را به نگارش درآورده‌اند.

با وجود آنکه ائمه هدی همه حجت خدایتعالی و نور واحدند و هدف مشترکی را دنبال می‌نمودند اما روش مشترکی در نیل به هدف نداشتند و دارای خط‌مشی‌های متفاوت و گاهی در ظاهر متعارض با یکدیگر بودند و این بواسطه شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران زندگی هر یک از آنان می‌باشد که بر حسب زمان و مکان با یکدیگر تفاوت داشته‌است. و شاید سر این مسئله که سیره ائمه هدی برای ما همواره بایستی الگو باشد در همین مطلب نهفته باشد که شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر زمان از زندگی ما منطبق بر شرایط زندگی یکی از آنان می‌شود و از این جهت است که تتبع و نگرش به سیره ایشان ضروری بنظر می‌رسد و بایستی از زوایای گوناگون بررسی شود و چون پرداختن به سیره تبلیغی ائمه طهار که رهبری و امامت در تبلیغ مکتب اسلام بعد از پیامبر اکرم را عهده‌دار بودند نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بر آن شدم تا زندگی حضرت امام صادق علیه‌السلام را از زاویه تبلیغی مورد بررسی قرار داده و از متون قدیمی تاریخی و روای و ۰۰۰۰ حرکت‌های تبلیغی امام صادق را در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی بررسی نمایم و وسایلی که ایشان جهت ادای تکلیف خویش و رساندن پیام الهی به مردم مورد استفاده قرار می‌داده‌اند دست‌بندی نمایم و برای این منظور لازم بود ابتدا شرایط و وضعیت سیاسی حاکم بر مسلمین را بررسی نموده تا روشن شود امام با چه حکومت‌هایی سروکار داشته و آنان با امام و جامعه مسلمین چه نوع رفتار و برخوردی داشته‌اند؟ و امام در آن جو حاکم چگونه بایستی فعالیت‌های خود را تنظیم می‌نمودند؟ سپس به وضعیت فرهنگی جامعه پرداخته شد و مکتب‌های موجود در آن دوره به‌مراه عقاید و تفکرات و فعالیت‌های آنها بطور اجمالی مورد مذاقه قرار گرفت تا این مطلب برای خواننده محترم روشن شود که اگر امام صادق توانست پایه‌گذاری مکتب غنی جعفری را آغاز کند و فقه و کلام و حدیث شیعه را با یک حرکت علمی گسترده پربار کند و برخلاف ائمه قبل از خود (باستثنای امام باقر که از جوی تقریباً مشابه استفاده نمود) و همچنین ائمه بعد از خود به

تربیت و حتی اعزام علماء و مبلغین شیعه به سراسر سرزمینهای اسلامی اقدام کند ناشی از جو مناسبی بود که در اثر برخوردهای علمی بین مکاتب نوس و بحث‌های علمی متداول بین مکتبهای فرهنگی و بلوغ فکری (البته نسبی) آن زمان بود که مقداری از آن هم متأثر از جو سیاسی متزلزل اواخر حکومت بنی‌امیه و اوایل حکومت بنی‌عباس بود. بعد از این دو مطلب مهم که در بخش کلیات این پایان نامه گنجانده شده است، بخش دوم که مربوط به چگونگی تبلیغ و حاوی شیوه‌های تبلیغی، پیام‌های امام و مخاطبین ایشان است تدوین‌گردیده تا بدینوسیله مهمترین عناصر يك كسار تبلیغی بررسی شده باشد و در فصل پایانی این بخش که مربوط به مخاطبین امام است شیوه‌های متفاوت برخورد امام با دسته‌های گوناگون مخاطبین تدوین شده و به روشنی مشخص گردیده که يك مبلغ موفق بایستی با هر يك از گروه‌های مختلف فکری، فرهنگی سیاسی برخوردی مناسب شان مخاطب داشته باشد تا نفوذ کلام او و تاثیر رفتار او در مخاطب بنحو احسن انجام پذیرد.

البته به مناسبت از فعالیتهای تبلیغی، فرهنگی حکومت‌های زمان امام صادق نیز ذکری به میان آمده تا نمونه‌ای از فعالیتهای تبلیغی منحرفاً ندوره باشد. حکومت اموی و حکومت عباسی با شیوه‌های تبلیغی خاص خود از عناوین مقدسی چون سنت پیامبر، کتاب الله، اهل‌البیت و... در جهت مقاصد خود سوء استفاده می‌نمودند تا افکار عمومی را تحت تاثیر قرار دهند و اعمال خلاف خود را توجیه کنند. این حرکت‌های تبلیغی فرهنگی در بخش اول بررسی شده است.

در پایان از مساعی و زحمات اساتید محترم و دانشمندان آقایان آیت‌الله محمد واعظ زاده خراسانی و دکتر صادق آئینه‌وند کمال تشکر و امتنان را دارم. امیدوارم این اثر ناچیز و ناقص مورد قبول ائمه اطهار علیهم‌السلام و امام صادق علیه‌الفضل صلوات الله قرار گیرد و مرضی خداوند تبارک و تعالی باشد.

ظل عنایات و توجهات حضرت ثامن الحجج و تفضل حضرت بقیه‌الله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه

مشهد - بارگاه مقدس رضوی - دیماه ۱۳۷۲

محمد رضا ابوئی مهریزی



بخش اول : کلیات

فصل اول : مروری اجمالی بر زندگی امام صادق علیه السلام

فصل دوم : عصر امام صادق

- ۱- جو سیاسی حاکم و حرکت‌های تبلیغی سیاسی بنی مروان و بنی عباس
- ۲- شرایط و جو فرهنگی جامعه (رشد مکاتب فکری، مادی، کلامی و...) (۰۰)
- ۳- فرهنگ مبارزاتی عصر (جریان‌های مخالف عباسیان ، علویان ، زیدیان ، خوارج و...) (۰۰۰)

## فصل اول

## مروری اجمالی بر زندگی امام صادق علیه السلام

ولادت امام صادق در روز دوشنبه هفدهم ماه ربیع الاول سال ۸۳ هـ بود. (۱) هر چند مورخان در این زمینه اختلاف کرده‌اند و بعضی سال ۸۰ و گروهی سال ۸۳ را ذکر نموده‌اند، امام صادق در میان خاندان رسالت در شهر مدینه بدنیا آمد، امام باقر پدر ایشان که در علم و عمل از برجستگان بنی‌هاشم بود، از آخرین یادگارهای شاهدان حماسه خونین کربلاء نیز می‌باشد. نام مادر امام، فاطمه و کنیه او ام فروه است و دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر از فقهاء و راویان بزرگ آن دوره و از فقهای سبعه مدینه می‌باشد. مادر امام صادق از جمله زنان پارسا و با تقوا محسوب می‌شود که امام درباره او فرموده است:

"كانت امی ممن آمنت و اتقت و احسنت و الله یحب المحسنین" (۲)

مادرم از مومنین باتقوا و نیکوکار بود و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

مادر ام فروه یعنی مادر بزرگ مادری امام صادق نیز دختر عبدالرحمن بن ابی بکر بود. و لذا نسب امام صادق از سوی مادر هم به محمد بن ابی بکر و هم به عبدالرحمن بن ابی بکر می‌رسد. حدیثی از امام صادق نقل شده که ایشان فرموده است: "ولدنی

---

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی ج ۲ ص ۳۷۸ تهران انتشارات علمیه اسلامیه



ابوبکر مرتین " ابوبکر دوبار مرابدنیا آورد که منظور همین نسبت خانوادگی به دوپسر ابوبکر می باشد. البته من در کتب اصول کافی، مناقب و ارشاد و کشف الغمسه و بحار الانوار و ... تفحص نمودم و اثری از این حدیث ندیدم و فقط در ناسخ التواریخ مشاهده شد که مولف آنرا نقل کرده آنهم بدون ذکر سند و محل استخراج حدیث، بهر حال اگر این حدیث وجود هم نداشته باشد یا معتبر نباشد این واقعیت تاریخی وجود دارد که مادر حضرت صادق از دو سو هم از طرف مادر و هم از پدر به ابوبکر منسوب است که به اعتقاد اهل سنت خلیفه اول بعد از پیامبر اکرم می باشد.

درباره محمد بن ابوبکر می دانیم که از رجال نامی شیعه و از اصحاب خاص امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه شعری را دال بر برائت محمد از اعمال پدر، نقل می کند که محمد آنرا در هنگام بیعت با علی علیه السلام در جمع مردم خواند.

نام امام صادق جعفر و کنیه وی ابو عبدالله بود، زیرا فرزندی بنام عبدالله داشتند که وی را عبدالله افطح می نامیدند البته کنیه ابواسماعیل هم شنیده شد. از جمله القاب<sup>(۱)</sup> ایشان، صادق، فاضل، طاهر، قائم و ... می باشد که مشهورترین آنها لقب صادق است که به معنی راستگو می باشد و براساس اسناد تاریخی و مشاهده بعضی روایات روشن می شود که حتی در زمان حیات ایشان هم لقب "صادق" کاربرد داشته است و به ایشان نسبت داده می شده است.<sup>(۲)</sup>

۱- مجلسی، محمدباقر- بحار الانوار ج ۴۷ ص ۹- بیروت ۱۹۸۳م، موسسه الوفاء و دار احیاء التراث العربی

۲- محمد بن عبدالله اسکندری از نزدیکان دربار منصور، در حدیثی نقل می کند که منصور امام را احضار نمود. در این حدیث هم خود محمد و هم منصور هر دو از امام بعنوان "ابا عبدالله الصادق" یاد می کنند. این مطلب را مجلسی در بحار الانوار ج ۴۷ ص ۲۰۱ بنقل از نهج الدعوات ص ۱۹۸ نقل می کند. در مقاتل الطالبین ص ۲۵۷ نیز ذکر شده که منصور بخاطر اینکه امام حکومت منصور را پیش بینی نمود به ایشان لقب صادق داد ←

امام صادق در محیط معنوی خاندان نبوی رشد و نمو کرد، دوازده سال در دامان جد خویش، حضرت علی بن الحسین امام سجاد که زینت و زیور عبادت کنندگان بود، تربیت شد، سپس حضرت محمد بن علی، امام باقر عهده دار مسئولیت تعلیم و تربیت وی شد. امام صادق در دوران باقیمانده از حیات پدر نظاره گر تلاشهای بی وقفه آن بزرگوار و تشکیل حلقات بحث و حدیث و تفسیر و رهبری شیعیان در جو پر التهاب و دشوار حکومت اموی بود تا اینکه امام باقر در سال ۱۱۴ هـ رحلت نمود و این امام صادق بود که به نص<sup>(۱)</sup> صریح امام باقر و پیامبر اسلام می بایست و دیعه الهی را که همانا رهبری امت پیامبر بود بدوش بکشد، و بدین ترتیب دوران امامت وی آغاز شد و سی و چهار سال بطول انجامید<sup>(۲)</sup> و سرانجام در سال ۱۴۸ هـ ق و در روز ۲۵ شوال، در شهر مدینه وفات نمود.

←

و می گفت: قال لی الصادق جعفر بن محمد کذا و کذا ۰۰۰ همچنین در بحار الانوار ج ۴۷ ص ۱۶۱ حدیثی به نقل از سفیان الثوری آمده که می گوید: سمعت الصادق جعفر بن محمد در عده الداعی ص ۱۳۶ نیز حدیثی از حسن بن علی بن یقطین نقل می شود که در آن حدیث راوی که فرستاده امام بوده می گوید وقتی نزد حاکم رفتم به او گفتم: انا رسول الصادق این احادیث و احادیث متعدد دیگر نشان می دهد که در زمان حیات امام نیز لقب "صادق" مستعمل بوده است.

۱- مفید، الارشاد ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی ص ۵۲۶. تهران کتابفروشی اسلامیة

۲- کلینی، اصول کافی ج ۲ ص ۳۷۴

## تحقیقی در زمینه وفات امام

در مورد وفات امام صادق باید گفت کتب معتبره شیعه چون اصول کافی، ارشاد شیخ مفید، کشف الغمه، روضه الواعظین تعابیری چون "مضی" و "مات" و "قبض" را در مرگ امام علیه السلام بکار برده‌اند و نکری از شهادت ایشان بدست حکومت ننموده‌اند، تنها علامه مجلسی در ج ۴۷ بحار الانوار از سه منبع نقل نموده که امام صادق علیه السلام با اسم و به تحریک منصور عباسی مسموم گردید<sup>(۱)</sup> : ۱- از مناقب به نقل از ابوجعفر قمی ج ۴ ص ۲۸۰، ۴- از مصباح الکفعمی که می‌فرماید: توفی یوم الاثنين فی النصف من رجب سنه ثمان و اربعین ومائه مسموماً فی عنب" سه روز دوشنبه نیمه ماه رجب سال ۱۴۸ با انگور سمی مسموم گردیده وفات نمود. لازم به ذکر است در این قول تاریخ مذکور، تاریخ ضعیفی است که معتبر نیست. ۳- از شهید اول در کتاب فصول المهمه که تعبیر ایشان با لفظ "یقال انه مات بالسم فی ایام المنصور" است که کلمه، یقال دلالت بر ضعف قول می‌نماید.

## تحقیقی دیگر درباره وفات امام صادق علیه السلام

در کتاب بحار الانوار<sup>(۲)</sup> مرحوم مجلسی حدیثی را از کتاب امالی صدوق و عیون اخبار الرضا نقل نموده که امام رضا علیه السلام فرموده است هیچیک از ما (اهل بیت) نیست مگر مقتول یا شهید باشد. مطالعاتی که پیرامون این حدیث انجام دادم حاکی از این است که این حدیث نمی‌تواند مستمسک باشد برای گروهی تا سند ادعای شهادت جمیع ائمه اطهار را به آن نسبت دهند زیرا بعضی از علماء اولاً "در سند حدیث اشکال نموده‌اند، ثانیاً ظاهر حدیث بصورت مضطرب نوشته شده است اصل حدیث چنین است: ابن المتوکل عن علی عن ابیه عن الهروری قال سمعت الرضا علیه السلام

۱- بحار الانوار ج ۴۷ ص ۵

۲- بحار الانوار ج ۵۹ ص ۲۸۳

يقول: "والله ما منا الا مقتول (او) شهيد."

در بسیاری از منابع شیعی چنین حدیثی یافت نمی‌شود بعلاوه محققین بزرگی چون شیخ مفید در آثار خود این مطلب را نپذیرفته‌اند که همه ائمه به شهادت رسیده باشند. در بررسی که درباره کتاب ارشاد انجام شد این نتیجه بدست آمد که در میان تمام ائمه اطهار علیهم‌السلام شیخ مفید تنها نام پنج نفر را می‌برد که تصریح به شهادت آنها با شمشیر یا سم می‌نماید که عبارتند از ۱- امیرالمومنین علیه‌السلام ۲ و ۳- امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما‌السلام ۴- امام موسی بن جعفر علیه‌السلام ۵- امام رضا علیه‌السلام.

شیخ مفید در ذیل زندگانی امام جواد دکه آن همه روایات در جلد ۵۰ بحار الانوار در مورد شهادت ایشان در کتب حدیث و تاریخ مذکور است می‌فرماید: وقیل: انه مفی مسموما" و لم یثبت بذلک عندی خبر فاشهد به" (۱)

درباره رحلت امام جواد گفته شده که ایشان مسموم از دنیا رفته ولی این خبر نزد من به اثبات نرسید و لذا نمی‌توانم به آن شهادت بدهم.

وقتی چنین نظریه‌ای از شیخ مفید درباره جواد الائمه علیه‌السلام صادر شود با تحقیقی که ما درباره نحوه وفات امام صادق انجام دادیم باید گفت بطریق اولی این مسئله ثابت نمی‌شود که امام صادق به واسطه خوراندن سم مسموم گردیده باشند و وجه اولویت هم در اینست که احادیث در مورد شهادت امام جواد با سم بسیار بیشتر و متنوع‌تر از احادیث مسمومیت امام صادق می‌باشد، بطوری که بزرگانی همچون مفید یسا کلینی یا اربلی و ۰۰۰ همان لفظ "قیل" را که حاکی از قول ضعیف است را نیز درباره شهادت امام صادق نیاورده‌اند و در نتیجه با ضرس قاطع نمی‌توان به مسمومیت و شهادت امام صادق علیه‌السلام تصریح نمود.

۱- ارشاد زندگانی امام جواد ص ۶۳۴

بهر حال امام صادق در شوال ۱۴۸ هـ ق وفات نمود و در کنار پدر، عمو و جد خویش در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد و برای دور ماندن امام کاظم از خطرات جدی که از طرف حکومت متوجه ایشان بود پنج نفر را وصی خود قرار داد که دو تن از آنان منصور عباسی و حاکم مدینه بودند و لذا فرمان منصور مبنی بر قتل وصی امام صادق به شکست انجامید،<sup>(۱)</sup> این وصیت شدت فشار بر امام و جو اختناق مدینه را اثبات می‌کند.

### \* فضائل و مناقب امام صادق (ع)

پس از آنکه خبر رحلت امام صادق را به منصور دادند وی گفت: "ان جعفرًا" کان ممن قال الله فيه: ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا وکان ممن اصطفی الله و کان من السابقین بالخیرات" <sup>(۲)</sup>، "همانا جعفر از کسانی بود که خداوند درباره آنها فرموده، کتاب و علم الهی را نزد برگزیدگان از بندگانمان به ارث نهادیم و او از کسانی بود که خداوند برگزیده بود و از پیشی گیرندگان در نیکی‌ها و خیرات بود؛ و براستی که دشمن امام را می‌شناسد که نمی‌تواند وجودش را تحمل کند، چون او و وارث حقیقی علم الهی و برگزیده، واقعی خداوند و شایسته، رهبری و هدایت جامعیه اسلامی بود و این حقیقت برای حاکم قسی‌القلبی چون منصور بسیار تلخ بود. در فضائل امام صادق آنقدر عبارات والا و بالائی از بزرگان عصر ایشان و علمای بعد از ایشان وارد شده است که خود دفتری مستقل می‌طلبد، مالک بن انس یکی از چهار پیشوای بزرگ فقه اهل سنت که خود مدتی افتخار شاگردی ایشان را داشته درباره حضرتش فرموده: "مارات عین ولا سمعت اذن ولا خطر علی قلب بشر افضل من جعفر الصادق فضلا" و علما " و عباد و ورعا" <sup>(۴)</sup>، "از بعد فضیلت و علم و عبادت و تقوا هیچ دیده‌ای ندیده و هیچ

۱- بحار الانوار ج ۴۷ ص ۵

۲- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، ج ۲ ص ۳۸۳ قم - موسسه و نشر فرهنگ اهل بیت و دارصادر

۳- ابن شهر آشوب، رشیدالدین محمد بن علی، المناقب - ج ۲ ص ۲۴۸ - قم - المطبعه العلمیه

۴- الامام الصادق والمذاهب الاربعه ج ۱ ص ۵۳ به نقل از کتاب المجالس السنیه ج ۵ و همچنین کتاب التوسل والوسیله ابن تیمیّه ص ۵۲

گوشی نشنیده و به ذهن هیچ انسانی خطور نکرده که برتر از جعفر صادق وجود داشته باشد" و بنظر من مالك هیچ عبارتی را بهتر و جامع تر از این عبارت نیافته تا امام را در آن وصف کند که اگر می توانست، تعبیری لطیف تر و دقیقتر بیاورد، کوتاهی نمی کرد. در این زمینه کلامی دیگر از یکی از علماء اهل سنت نقل می کنیم:

كمال الدين محمد بن طلحه می گوید: اما مناقب و فضائل حضرتش فوق شمارش و بی حد و حصر است، بطوری که عقل تیزبین آگاه از تنوع و فضائل حضرتش حیرانست تا آنجا که از کثرت علومی که به او در اثر تقوا افزایه شده، احکامی صادر شده که علت آن فهمیده نمی شود و علوی به او نسبت داده شده و از او روایت شده که عقول از احاطه به آن علوم عاجز است<sup>۱۰</sup>

#### \* فرزندان امام صادق

اربلی در کشف الغمه<sup>(۲)</sup> تعداد فرزندان آن حضرت را هفت تن ذکر نموده که عبارتند از شش پسر بنامهای موسی، اسماعیل، محمد، علی، عبدالله، اسحاق و دختری بنام ام فروه که هم نام مادرشان بود. اما شیخ مفید<sup>(۳)</sup> تعداد فرزندان ایشان را ده تن می داند، اسماعیل، عبدالله، ام فروه که مادرشان فاطمه دختر حسین بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب بوده و موسی و اسحاق و محمد که مادر ایشان ام ولد بوده و عباس و علی و اسماء و فاطمه هر یک از مادرانی جداگانه بوده اند. پسر بزرگ امام، اسماعیل بود که امام او را بسیار دوست می داشت و در زمان حیات پدر، وفات کرد. ولی علیرغم اعلام امام صادق و نص بر امامت موسی بن جعفر علیهما السلام عده ای قائل به امامت اسماعیل شده، فرقه اسماعیلیان را بنیان نهادند که ذکر آن خواهد آمد، سپس عبدالله بن جعفر (افطح) بزرگترین اولاد امام بود، عبدالله چون پاهای پهنی داشت وی را

۱- اربلی، علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمه، ج ۲ ص ۳۶۸- بیروت - دارالکتاب الاسلامی

۲- کشف الغمه ج ۲ ص ۳۷۴

۳- مفید، ارشاد - ص ۵۵۵ تا ۵۵۹ - اربلی، کشف الغمه ج ۲ ص ۲۹۲



را افطح خطاب می‌کردند، او پس از امام ادعای امامت کرد ولی شیعیان از وی دست برداشتند، زیرا بدلیل ضعیفی که داشت در مقام عمل از پاسخ سئوالات شیعیان بساز می‌ماند، و به موسی بن جعفر گرویدند که در امر امامت علاوه بر نص، دارای علم و تقوا و ورع و معجزات بود، پیروان عبدالله را که قائل به امامت وی شدند، فطحیه‌نامیدند.

اسحاق بن جعفر فرزند بعدی امام صادق مردی فاضل پرهیزکار و اهل اجتهاد بود و مردم از او حدیث روایت می‌کنند، وی قائل به امامت برادرش موسی بن جعفر بود.

دیگر فرزند امام صادق محمد بن جعفر بود که مردی شجاع و مبارز بود که سخاوت و گرمی پسندیده داشت، وی یکروز در میان روزه بود. در زمان مامون دست به قیامی علیه خلیفه و حکومت بنی‌عباس زد که شکست خورد و تا آخر عمر تحت نظر واکرام ظاهری مامون بود. علی بن جعفر فرزند دیگر امام صادق از راویان حدیث محسوب می‌شود و با تقوا و فضل بسیار، ملازم برادر بزرگوارش موسی بن جعفر بود و روایت بسیاری از او نقل نموده است. عباس بن جعفر نیز که از فرزندان امام صادق است فردی فاضل و شریف بود. موسی بن جعفر پسر کوچک امام علیه‌السلام بود که از نظر قدر و منزلت برتر از دیگر برادران خود بود. وی عابدترین، باتقواترین و عالم‌ترین مردم زمان خود بود و از او بخشنده‌تر و کریم‌تر در زمان او وجود نداشت. وی پیشوا و امام هفتم شیعیان و جانشین پدرش بود.

### ✽ شاگردان مکتب امام صادق علیه‌السلام

در مورد شاگردان امام و راویان احادیث او و علماء معاصر ایشان به تفصیل در فصلی که موسوم به محیط فرهنگی عصر امام است و نیز فصلی که موسوم به "تشکیل حوزه درسی و تربیت مبلغ" است، مطالبی عنوان خواهد شد، در اینجا فقط به ذکر همین نکته کفایت می‌کنیم که کمتر دانشمند، فقیه، متکلم و عالم دینی مشهوری یافت می‌شود که معاصر امام صادق بوده باشد و محضر او را درک نکرده باشد و کسب فیضی ننموده باشد، از جمله علمای بزرگ اهل سنت و رهبران مکاتب فقهی اهل سنت

ابوحنیفه، مالک بن انس، ابن عیینه، شعبه، یحیی بن سعید انصاری و ۰۰۰ از محضر امام بهره‌ها برده‌اند و آنرا برای خود افتخاری می‌دانند. مورخین شاگردان وی را حدود چهار هزار نفر می‌دانند که بحث مفصل آن همراه با ذکر منابع و نام مورخین و کتب آنها در فصل دوم از بخش دوم خواهد آمد.

### \* حاکمان عصر امام صادق علیه‌السلام

امام صادق معاصر با حکومت ده خلیفه‌اموی و دو خلیفه عباسی بوده است. ولادت امام در روزگار حکومت عبدالملک مروان بود پس از عبدالملک بترتیب ولید بن عبدالملک (۸۶ هـ - ۹۶ هـ)، سلیمان بن عبدالملک (۹۶ هـ - ۹۹ هـ)، عمر بن عبدالعزیز (۹۹ هـ - ۱۰۱ هـ)، یزید بن عبدالملک (۱۰۱ و ۱۰۵ هـ) هشام بن عبدالملک (۱۰۵ هـ - ۱۲۵ هـ)، ولید بن یزید بن عبدالملک (۱۲۵ هـ - ۱۲۶ هـ) یزید بن ولید بن عبدالملک (۱۲۶ هـ - ۱۲۶ هـ حدود شش ماه)، ابراهیم بن ولید بن عبدالملک (۱۲۶ هـ - ۱۲۷ هـ حدود هفتاد روز) و مروان بن محمد بن مروان (۱۲۷ هـ - ۱۳۲ هـ) حکومت کردند و سرانجام خاندان بنی‌امیه با شکست مروان از مهاجمان سپاه بنی‌عباس در سال ۱۳۲ هـ از حکومت کنار زده شدند و دولت نوبنیان بنی‌عباس زمام امور را بدست گرفت و امام صادق در این ایام حدوداً "پنجاه سال از عمر مبارکشان می‌گذشت. سفاک عباسی اولین خلیفه این خاندان بود که در اواخر سال ۱۳۲ هـ رسماً حکومت او با قتل مروان آغاز شد هرچند از مدتی پیش از اضمحلال کامل بنی‌امیه، سپاهیان و اطرافیان او با وی در شهر کوفه بیعت کرده بودند. پس اولین روزهای حکومت بنی‌عباس مصادف با آغاز سال ۱۳۳ هـ می‌باشد، سفاک حدود پنج سال حکومت کرد. آخرین خلیفه‌ای که امام با وی معاصر بود ابو جعفر عبدالله بن محمد بن علی مشهور به منصور (۱۳۸ هـ - ۱۵۸ هـ) بود که در سال دهم حکومت او سرانجام امام صادق از دنیا رحلت فرمود. دوران امامت امام صادق همزمان با بقیه حکومت هشام و سپس ولید بن یزید و یزید بن ولید و ابراهیم بن ولید و مروان بن محمد از خلفای اموی و سفاک و منصور از بنی‌عباس بود که حدود سی و چهار

۱- سپهر، محمدتقی - ناسخ التواریخ ج ۱ ص ۱۹ - تهران - کتابفروشی اسلامیة

سال طول کشید . از بارزترین ویژگیهای هر دو حکومت بنی عباس و بنی امیه سفاکسی و بیرحمی و شدت سختگیری آنها با مخالفان بود . و امام صادق که در این عصر می زیست یکی از مخالفان اصلی هر دو حکومت بود ، و بایستی طوری مواضع و خط مشی خود را تنظیم می نمود تا خود و پیروانش را از گرفتاری در گرداب بلای حکام برهاند . حاکمان عصر امام صادق حتی از ریختن خون برادران و اقوام خویش و وفاداران و فداکاران حکومت هم ابائی نداشتند . اگر احساس می کردند که کسی طمع در حکومت دارد یا فکر قیام و مقابله با خلیفه را در سر می پروراند دستور قتل او صادر می شود . برای نمونه می توان به قتل عمرو بن سعید بدست عبدالملک بن مروان که پسر عمه و برادرزن او بود و همچنین قتل ابوسلمه ، خلال<sup>(۱)</sup> بدست سفاح و قتل ابومسلم خراسانی<sup>(۲)</sup> به امر منصور اشاره کرد . منصور بنحو زیرکانه ای عموی خود عبدالله بن علی<sup>(۳)</sup> که شکست دهنده مروان و مرد شماره ۲ بنی عباس در زمان بدست گرفتن خلافت محسوب می شد را نیز کشت . با توجه به مرکزیت مدینه از لحاظ مخالفین حکومتهای هر دو خاندان فرمانداران مدینه معمولا " افراد مستبد و بیرحمی بودند که بتوانند حرکت های ضد حکومتی را کنترل کنند . مدینه تنها شهری است که بیشترین آمار قیامهای ضد حکومتی را در دوران بنی امیه و بنی عباس داشته است . قیام محمد بن عبدالله بن الحسن اولین و بزرگترین قیام بر ضد بنی عباس از مدینه بود . حتی قیامها و نهضتهایی که در شهرهای بزرگ دیگر ظاهر می شد ریشه در فعالیت های ضد حکومتی در مدینه داشت و رهبران آن معمولا " پرورش یافته مدینه بودند که مثلا " می توان از نهضت کربلاء به

۱- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ ج ۴ ص ۴۳۶- بیروت

۱۹۶۵ م - دار صادر و دار بیروت للطباعة

۲- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب ومعادن الجواهر ج ۳ ص ۳۰۳ -

بیروت ۱۹۸۴ م - دار المعرفه والکامل ج ۴ ص ۴۶۸ و یعقوبی ج ۲ ص ۳۶۷

۳- تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۳۶۹